**سوسور (راهنمایی برای سرگشتگان)**

**پل بویساک، برگردان محمد امین شاکری**

**سوسور (راهنمایی برای سرگشتگان)، بویساک پل،1395، ترجمه محمدامین شاکری، تهران: نشر یک فکر، چاپ اول،310صفحه**

**مقدمة مترجم**

«من عمیقاً باور دارم، هرآن‌کس که گام در این مسیر می‌نهد تا در اسرار زبان رخنه کند، باید این حقیقت را به‌یاد بسپرد که تمامی تمثیلات زمین و آسمان‌ها او را در یک لحظه و به یک‌باره رها خواهند کرد». *فردینان دو سوسور(دست‌نوشته‌ها)*

«[فیلسوفان و روان‌شناسان زبان] همیشه در خیال‌پردازی‌های خود نظام زبان را صورتی «ثابت» و همچنین «قراردادی» در نظر می‌گیرند. آن‌ها با این کار، ابژه‌ی[موضوع عینی] اندیشه‌ی خود را در سطح برشی سطحی و به‌اصطلاح افقی از زبان تقلیل می‌دهند. آن‌ها پدیده‌های اجتماعی-تاریخی را، که گردباد نشانه‌ها را بر محور عمودی زمان به پایین می‌کشند، نادید می‌گیرند. پدیده‌ی زبان در ذات خود و در معنای حقیقی خود نه «ثابت» است و نه «قراردادی»، چراکه محصول رویدادهای اجتماعی پیوسته‌ای است که اراده هیچ دخلی در آن ندارد». *فردینان دو سوسور(دست‌نوشته‌ها)*

این گفته‌ها‌ی سوسور، شاید برای اغلب کسانی که او را به‌واسطه‌ی کتاب «دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی» درک کرده‌اند، کمی دور از انتظار بنماید: مگر سوسور نبود که از یک سو با قائل‌شدن به مفهوم صلب و ایستای «لانگ» و کنار گذاشتن هر آن‌چه «پارول» می‌نامید، و از سوی دیگر با تأکید بر مطالعه‌ی «هم‌زمانی» زبان و صرف‌نظر از هرآن‌چه بر محور «درزمانی» می‌گذشت، تقلیلی ساده و کارآمد در اختیار عالمان زبان گذاشت؟ مگر هم‌او نبود که به تصویری قطعی و روشن از زبان و علم زبان رسید، تا جایی که توانست چنین حجت را تمام کند که : «تنها ابژه‌ی حقیقی زبان‌شناسی، همانا زبان است که در خودش و به‌خاطر خودش مورد بررسی قرار می‌گیرد»؟ پس داستان این هولناکی و رازآلودگی چیست؟ پس مخالفت شدیدش با «ثابت» انگاشتن زبان از کجا نشئت می‌گیرد؟ لحن این گفته‌ها آنی نیست که در *دوره* از سوسور دیده‌بودیم. شاید به کمی بازاندیشی نیاز داشته‌باشیم...

\*\*\*

روی هریس سه سوسور را از یک‌دیگر بازمی‌شناسد: سوسور مؤلفِ بالقوه‌ی کتاب *دوره*، سوسورِ استاد دانشگاه و مدرس سه دوره‌ی «زبان‌شناسی عمومی»، و سوسور در متون‌اش. سوسور نخست، با دو سوسور دیگر تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد، و همین سوسور است که همواره در مرکز توجه دانشمندان زبان بوده و توانسته‌است جریانات گسترده‌ای را به‌نفع و علیه خود برانگیزد. این واقعیت را نمی‌توان نادید گرفت که کتاب *دوره* در زمره‌ی تأثیرگذارترین آثار اندیشگانی قرن بیستم جای دارد. با این وجود، این کتاب، به قول بویساک، «جعلی امانت‌دارانه» بیش نیست. نویسندگان دوره، نه سوسور، بلکه ویراستاران آن، یعنی بلی و سشویه هستند. بویساک در فصل 8 کتاب حاضر شرحی مفید از چندوچون این مسئله به دست داده‌است، اما ذکر این نکته را در این‌جا لازم می‌دانم که همین کتابِ برساخته‌ای، در طول این صد سال، گاهی از سوسور مترسکی ساخته که به‌راحتی مورد هجمه‌ی پارادایم‌های گوناگون قرار گرفته‌است و از سوی دیگر گاهی مریدانی برای او دست‌وپا کرده که قطعیت (و یا پیش‌پاافتاده‌بودنِ) ایده‌های او را پذیرفته و اکنون دیگر راه خود را پیش گرفته‌اند.

در مقابل، سوسور دوم بسیار متزلزل‌تر و پویاتر است: او در جلسات دوره، ایده‌هایش را در قالب‌های مختلفی می‌ریزد، آن‌ها را با چیدمانی متفاوت از چیدمان کتاب *دوره* طرح می‌کند، بارها در آرای خود شک می‌کند و به تناقض‌های موجود در آن‌ها معترف می‌شود. این همان سوسوری است که در بخش نخست کتاب حاضر با او مواجه می‌شویم. بویساک در عملی خلاقانه خواننده را بر روی نیمکت کلاس «دوره‌ی سوم زبان‌شناسی عمومی» می‌نشاند و در بافتی دراماتیزه تصویری نو از سوسورِ استاد ارائه می‌دهد. او با بازسازی جلسات مهم‌تر این دوره، پرسش‌ها و آرای اساسی سوسور را نه بدان شکل که در کتاب *دوره* دیده می‌شود، بلکه عمیق‌تر و البته متزلزل‌تر پیش چشم ما حاضر می‌کند. خواهیم دید که این سوسور دوم، اندیشمندی است درگیر، مردد، جسور، پرسش‌گر، خسته و مستأصل.

و سوسور سوم علاوه بر این‌ها، بسیار پیچیده‌تر است: سبک نوشتاری او غالباً بسیار فصیح و شیواست، متون‌اش پر است از نانوشته‌ها و خط‌خوردگی‌ها، گاهی احکام قطعی صادر می‌کند و باز آن‌ها را از درون متزلزل می‌گرداند. موضع او در قبال مسئله‌ی زمان و کاربردهای بالفعل زبان به‌گونه‌ای است که دیگر بسیاری از انتقادها بر سوسور نخست را منتفی می‌گرداند. او در بخش قابل توجهی از نوشته‌هایش به موضوعات غریبی چون اسطوره‌شناسی و شعرشناسی می‌پردازد و می‌خواهد در تلاش‌هایی متناقض‌نما مسئله‌ی زبان را حل‌وفصل نماید، اما هیچ‌گاه به هیچ نتیجه‌ی مشخصی نمی‌رسد. این‌ها همه برآمده از روحیه‌ی حقیقت‌جویانه‌ی او هستند. همین وسواس سوسور در تعهدش به حقیقت است که باعث می‌شود هیچ‌یک از سه دوره برایش رضایت‌بخش نباشد و در نهایت نیز هیچ‌گاه حاضر به انتشار ایده‌هایش نشود.

همین دو سوسور -مخصوصاً سوسور سوم- هستند که در تمام این سال‌ها غالباً نادیده گرفته شده‌اند. اما تلاش‌هایی که به خصوص در این سال‌های اخیر برای کشف، تدوین، انتشار و ترجمه‌ی آموزه‌ها، دست‌نوشته‌ها و زندگی‌نامه‌ی سوسور صورت گرفته‌است، این فرصت را در اختیار زبان‌شناسان و فیلسوفان زبان می‌گذارد که اندیشه‌های این مهره‌ی کلیدی مطالعات زبانی را از زوایای جدیدی مورد بازاندیشی قرار دهند. بویساک این فرصت را غنیمت شمرده و با توسل به این تلاش‌ها می‌خواهد -هرچند به‌شکلی مقدماتی- تصویری نو از سوسور، آن‌طور که بوده، ترسیم کند. او در این کتاب زوایای نادید گرفته‌شده‌ی اندیشه‌های سوسور را بر ما می‌نمایاند و با پیش کشیدن مسائلِ او بدان‌سان که در آموزه‌ها و دست‌نوشته‌هایش دیده می‌شود، احیا، بازاندیشی و همراهی سوسور را به تمام کسانی که هم‌چون خود سوسور می‌خواهند با «هیولای زبان» دست‌وپنجه نرم کنند، پیشنهاد می‌دهد.

\*\*\*

پل بویساک (1934- )، استاد بازنشسته‌ی دانشگاه ویکتوریای تورنتو، بانی و مدیر سایت سمیوتیکان (www.semioticon.com) و نشانه‌شناس سرشناس فرانسوی است. او تألیف‌های بسیاری در زمینه‌های نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی انجام داده‌است. کتاب حاضر، آخرین اثر تألیفی اوست که، چه در فضای آکادمیک و چه بیرون از آن، با اقبال نسبتاً بالایی مواجه شده‌است. او به شیوه‌ای جذاب آن‌چه را که امروز برای شناختن اندیشه‌های سوسور لازم است، به‌طور خلاصه در این کتاب آورده‌است. بویساک طیف گسترده‌ای از مخاطبان را مد نظر دارد: از آنان که تازه می‌خواهند با سوسور آشنا شوند، تا پژوهش‌گران و متخصصانی که سوسور دغدغه‌شان است و بازاندیشیِ آرای او را امری لازم می‌دانند. او این کتاب مختصر را در نُه بخش و دو پیوست تدوین کرده‌است که در این مجال به‌طور گذرا مسائل مطرح‌شده در آن‌ها را از پیش چشم می‌گذرانیم:

بویساک پس از مواجه‌کردن خواننده با سوسور دوم در بخش نخست، سه بخش بعدی -بخش‌های 2، 3 و 4- را به زندگی او اختصاص می‌دهد. او در این بخش‌ها به‌یاری اسناد جدید کشف‌شده و زندگی‌نامه‌ی سال 2008 مهیا کیهانو، روایتی مفید و روشن‌گر از زندگی فکری سوسور در اختیار ما می‌گذارد. ما در این بخش‌ها این فرصت را خواهیم داشت تا با سوسور در پرتو تاریخ زندگی‌اش آشنا شویم و او را در بافت زیست انسانی-اجتماعی‌اش بازشناسیم. این فرصتی تازه است، چراکه ما به‌غیر از پی‌نوشت دِ مائورو بر کتاب *دوره* (که در ترجمه‌ی دکتر خلخالی از این کتاب به فارسی برگردانده شده‌است)، دسترسی دیگری به زندگی او نداشته‌ایم. در اواخر بخش چهارم، در خلال توضیحاتی گذرا از درگیری‌های سوسور با *کرانه‌های گیج و مبهم زبان*، با تصاویری بدیع و غریب مواجه می‌شویم که حتی اگر کمترین آشنایی با آرای او داشته‌باشیم، ما را به حیرت می‌اندازند.

پس از مرور زندگی‌نامه، سه بخش بعدی -بخش‌های 5، 6 و 7- تبیین بویساک را از مهم‌ترین آرای سوسور شامل می‌شوند. اهمیت کار او در این است که به‌جای آن‌که همچون بسیاری شارحان و منتقدان دیگر، تبیین خود را بر کتاب *دوره* بنا کند، تنها بر جزوه‌ی دانشجویان سه دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی و دست‌نوشته‌های خود سوسور تکیه می‌کند. در جای‌جای این بخش‌ها با گزاره‌ها و ایده‌هایی مواجه می‌شویم که یا هرگز آن‌ها را نشنیده‌ایم و یا با صورت‌بندی متفاوتی درک‌شان کرده‌ایم. البته می‌توان این خرده را به تبیین بویساک گرفت: گرچه در این‌جا، کتابِ بسته‌ی *دوره* ملاک قرار نگرفته و تنها اسناد دست‌اول مورد استنادند، باز هم گاهی، بر خلاف آن‌چه در بخش نخست می‌بینیم و مغایر با داعیه‌های خود بویساک، شاهد نوعی قطعیت و تحکم در چند ایده‌ی اساسی هستیم. برای نمونه هنگام بحث از پارول و رابطه‌ی دوسویه‌ی تعین‌بخشی/پذیری آن با لانگ، تلاش تبیینی جدیدی نمی‌کند و آن‌چه سرآخر به دست می‌دهد چندان با تبیین‌های *دوره* تفاوت ندارد. این پرسش سوسور دوم مبنی بر این‌که «... پس آیا این ادعا که لانگ بخش ذاتی و اصیل زبان است، با عقل جور در می‌آید؟...» به‌طور شتاب‌زده‌ای حل -و یا حتی منحل- می‌شود. البته باید این نکته را مدنظر داشته باشیم که این تبیین، تلاشی مقدماتی برای بازاندیشی ایده‌های سوسور است که قرار است راه را برای همراهی با آن‌ها هموار سازد و امکان مداقه‌ی بیشتر را به ما پیشنهاد دهد.

بویساک بخش 8 را به بررسی چگونگی شکل‌گیری کتاب «دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی» اختصاص می‌دهد. این بخش مخصوصاً برای کسانی که سوسور را از طریق کتاب *دوره* شناخته‌اند، جالب توجه خواهد بود. گرچه بویساک به‌تفصیل به ایرادهای موجود در *دوره* نمی‌پردازد، با این حال با بررسی سیر شکل‌گیری کتاب و نیروهای دخیل در برساخته‌شدن آن، این مطلب را بر ما آشکار می‌کند که تکیه‌ی صرف بر این کتاب و خوانش غیرمحتاطانه‌ی آن نمی‌تواند ما را به درکی قابل‌قبول و درست از اندیشه‌های سوسور برساند.

بخش آخر کتاب، میراث فکری سوسور را مورد بررسی قرار می‌دهد. بویساک در این بخش علاوه بر معرفی مهم‌ترین تأثیرات آرای سوسور بر فضای اندیشگانی یک‌صد سال اخیر، با بررسی انتقادی مواضع گوناگون در برابر این آرا، به‌طور اجمالی کاستی‌ها و خطاهای هر یک از آن‌ها را برای خواننده آشکار می‌سازد. بویساک بر این باور است که اغلب خوانش‌ها، تعمیم‌ها و مخالفت‌ها، به‌خصوص در برداشت‌های فلسفی، ناروا و به‌دور از انصاف هستند. او در کنار عوامل دیگر، عامل اصلی و مشترک تمام این کژفهمی‌ها را معیار قرارگرفتن کتاب برساختی *دوره* می‌داند. لحن قاطعانه و ساده‌سازی‌شده‌ی سشویه و بلی، با پنهان‌ساختن تردیدها، ابهامات و پرسش‌های اساسی سوسور، چهره‌ای مطمئن و در عین حال بسیار شکننده از او ترسیم کرده‌است. بویساک اعتقاد دارد با این‌که تأثیرات مثبت و پیش‌برنده‌ی آرای سوسور قابل توجه است، اما کنکاش در پرسش‌های این پرسش‌گر هوشمند و تیزبین، و تلاش برای همراهی با او، در نازل‌ترین سطوح اتفاق افتاده‌است. گرچه رویکرد بویساک در این بخش حاکی از دل‌سوزی و حقیقت‌خواهی اوست، اما در برخورد با برخی اندیشمندان، به‌خصوص باختین، بارت، لکان و دریدا، کمی دور از انصاف عمل می‌کند. با این‌که نقدهای او بر خوانش این اندیشمندان از آرای سوسور تا حدی وارد است، اما نادید گرفتن تلاش‌های این مهره‌های کلیدی علوم انسانی و اهمیت کار آن‌ها چندان خوش‌آیند نیست. درست است که اگر سوسور وسواس کمتری به خرج می‌داد و ایده‌هایش را به دست خود تدوین می‌نمود، به احتمال قریب به یقین مطالعات زبانی سیر متفاوتی می‌پیمودند و بسیاری از انتقادات دیگر محلی از اعراب نمی‌داشتند، اما این مطلب سبب نمی‌شود که امثال باختین را به‌خاطر بی‌خبری از دست‌نوشته‌های سوسور و تکرار و بسط ایده‌هایی منتشرنشده بازخواست نمود؛ یا آن‌که لکان را، که با شعار بازگشت به فروید از ایده‌های زبانی کتاب *دوره* بهره جسته و توانسته است با تکیه بر ارتباط روان و زبان، علاوه بر نتایج قابل توجه فلسفی و نظری، دست‌آوردهای عملی مهمی نیز در روان‌کاوی داشته‌باشد، بی‌اهمیت جلوه داد. به‌علاوه، نشانه‌شناسی بارت که آنتی‌تزی جمع‌پذیر با ایده‌های سوسوری ارائه می‌دهد، و دریدا که با دغدغه‌های حکیمانه و فلسفی و با رویکرد پدیدارشناختی خاص خود به تلاشی جان‌کاه و به‌ظاهر مغالطه‌آمیز برای رویارویی با «هیولای زبان» دست می‌زند، به راحتی از دادگاه احساسی بویساک تبرئه می‌شوند. بویساک در ادامه‌ی این بخش با پیش‌کشیدن چند مسئله‌ی مرتبط با مبادی نظری سوسور، نمونه‌هایی از امکانات جدید برای بازاندیشی در آرای او -از جمله نزدیک‌دانستن آن‌ها با رویکردهای داروینیستی- ارائه می‌دهد و در پایان چنین نتیجه می‌گیرد: سوسور باید احیا شود، و این مهم تنها با بازگشت به پیش از کتاب *دوره*، و غور و واکاوی در دست‌نوشته‌های خود او، و پس از آن در جزوه‌های دانشجویان‌اش، میسر خواهد شد.

بویساک دو پیوست مفید را به کتاب خود می‌افزاید: در *پیوست 1*، دست‌نوشته‌های سوسور و طریقه‌ی دسترسی به آن‌ها را از منابع مختلف، به‌طور خلاصه فهرست می‌کند؛ و در *پیوست 2*، نوزده نمونه قطعه از این دست‌نوشته‌ها را برای مواجه‌کردن خواننده با سوسورِ پیچیده و کمتر دیده‌شده -یعنی سوسور سوم-، می‌آورد. همین پیوست سه‌صفحه‌ای خود شاهدی است بر ادعاهای بویساک: ما سوسور را درست نشناخته‌ایم، برای بازشناسی و احیای او لازم است تا در تلاشی مضاعف، و البته شیرین، از نزدیک با او مواجه شویم.

\*\*\*

اکنون باید به این پرسش پاسخ دهیم که لزوم ترجمه و جایگاه کتاب حاضر در مطالعات زبانی، نشانه‌شناختی، و به‌طور خاص سوسورپژوهی ایران چیست. ابتدا بگذارید کتاب‌شناسی سوسور را به زبان فارسی از پیش چشم بگذرانیم:

از کتاب *Cours de linguistique générale* دو ترجمه به زبان فارسی موجود است: *دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی*[[1]](#footnote-1) و *درس‌های زبان‌شناسی همگانی[[2]](#footnote-2)*. ترجمه‌ی نخست که حاصل تلاش استاد ارجمندم آقای دکتر کورش صفوی است، از اقبال بیشتری برخوردار شده‌است و غالباً برای ارجاع به کتاب *دوره* از این نسخه استفاده می‌شود (به همین دلیل است که ما در کتاب حاضر معادل «دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی» را برای این کتاب برگزیده‌ایم). این نسخه با لحنی شیوا و خوش‌خوان خواننده را در مواجهه با این کتاب کلاسیک و مهم یاری می‌رساند. در مقابل، در ترجمه‌ی خانم دکتر خلخالی معادل‌های دقیق و پانوشت‌های متعدد برای خواننده‌ی جدی بسیار راهگشا خواهد بود. این ترجمه، علاوه بر زندگی‌نامه‌ی کوتاه نسخه‌ی انتقادی دِ مائورو، مقاله‌ای از لویی‌ژان کالوه را نیز در خود جای داده‌است. بحث بر سر این‌که از این دو کدام را باید ملاک قرار داد، از توان و فرصت این مختصر خارج است. در این‌جا تنها به این نکته بسنده می‌کنم که ترجمه‌ی دکتر خلخالی بسیار قابل اعتناست و نباید نادید گرفته شود.

علاوه بر کتاب *دوره*، از میان منابع مهمِ درباره‌ی سوسور، سه کتاب به زبان فارسی ترجمه شده‌اند: *فردینان دو سوسور[[3]](#footnote-3)* (کالر: 1976)، *زبان، سوسور و ویتگنشتاین: چگونه می‌توان با واژه‌ها بازی کرد؟[[4]](#footnote-4)* (هریس: 1988) و *سوسور: نشانه‌ها، نظام و اختیاری‌بودن[[5]](#footnote-5)* (هلدکرافت: 1991). جاناتان کالر که خود زبان‌شناس و نظریه‌پرداز ادبی است، در کتاب مختصر خود شرحی جذاب و خواندنی از آرای سوسور به‌دست داده‌است و در جای‌جای کتاب با مقایسه‌ی تطبیقی ایده‌های او با نظریه‌های افرادی چون زیگموند فروید و امیل دورکیم، زوایای جدیدی از اهمیت آن‌ها را پیش چشم خواننده می‌گشاید. روی هریس، شارح ارشد آرای سوسور به زبان انگلیسی، در اثر درخشان خود ده موضوع اساسی پیرامون زبان را در دیدگاه‌های سوسور و ویتگنشتاین به‌سبکی موازی مورد کنکاش قرار می‌دهد. او در این تلاش، نزدیکی‌های قابل توجهی میان اندیشه‌های پدر علم زبان‌شناسی نوین (سوسور) و فیلسوف بزرگ قرن بیستم (ویتگنشتاین) کشف می‌کند. دیوید هلدکرافت فیلسوف، که علقه‌ی خاصی به سوسور دارد، در کتاب خود سعی می‌کند تا با تمرکز بر چند مفهوم کلیدی در اندیشه‌ی سوسور، در قالبی نو شرحی به‌دست دهد که بتواند جنبه‌های فلسفی آرای او را برای خواننده آشکار سازد. مترجمان این سه اثر، یعنی دکتر صفوی، دکتر فقیه و دکتر عبدالکریمی، چه در انتخاب کتاب و چه در ترجمه‌ی آن‌ها به زبان فارسی هوشمندانه و قابل‌قبول عمل کرده‌اند.

با این‌که ما در مجموع کتاب‌شناسی نسبتاً مفیدی از سوسور به زبان فارسی در اختیار داریم، اما با توجه به ملاحظات جدید، این آثار برای شناخت امروزی آرای او کفایت نمی‌کنند. نکته‌ی اساسی اینجاست که همه‌ی این کتاب‌ها -حتی کتاب هریس- «منوط به *دوره*» نوشته شده‌اند. طبق آن‌چه پیش‌تر در همین پیش‌گفتار ذکر شد و به‌طور مفصل در متن کتاب حاضر بدان پرداخته می‌شود، تصویری که کتاب *دوره* از سوسور برای یک‌صد سال اندیشه در باب زبان ترسیم کرده، اگر نگوییم تماماً جعلی، تا اندازه‌ای مخدوش است. اکنون با گذشت این‌همه سال، در پی کشف دست‌نوشته‌هایی جدید از سوسور در سال 1996، توجه فضای پژوهشی فرانسوی و انگلیسی‌زبان بار دیگر به سوسور جلب شده‌است. تلاش‌های جدید با تدوین مجموعه‌ای از دست‌نوشته‌های سوسور در سال 2002 و ترجمه‌ی آن‌ها به زبان انگلیسی در سال 2006، و نیز با نوشتن زندگی‌نامه‌ی دوجلدی سوسور (به دست مهیا کیهانو) در سال 2008، آغاز شده‌است. در این شرایط، کتاب بویساک (2010) نخستین کتاب تألیفی است که سوسورِ دست‌نوشته‌ها و آموزه‌ها را به تصویر می‌کشد. این کتاب گرچه به سبک و سیاقی مقدماتی و معرفی‌گون نوشته شده‌است، با این حال می‌تواند افق‌های جدیدی را در باب زبان و فلسفه‌ی نشانه‌ها برای فضای اندیشگانی کشور ما ترسیم کند.

در این میان نکته‌ی دیگری نیز دخیل است: غالب فضای آکادمیک زبان‌شناسی کشور ما که با حفظ فاصله در سایه‌ی سنت آکادمیک انگلوساکسونی پیش می‌رود، در سال‌های اخیر رویکردی نفی‌گرانه و سرسری نسبت به سوسور -این نقطه‌ی عزیمت زبان‌شناسی- اتخاذ کرده‌است. برخی افراد در شاخه‌های مختلف این رشته، با تقلیل‌دادن کل آرای سوسور به چند گزاره در باب تقابل‌های هم‌زمانی/درزمانی، لانگ/پارول و دال/مدلول، آن‌ها را بی‌ارزش، ابتدایی و تاریخ‌گذشته جلوه می‌دهند و بی‌محابا نفی‌شان می‌کنند. در این شرایط چه خوب است ما نیز از این فرصت پیش‌آمده برای بازاندیشی گسترده در مبادی علم ناگزیر زبان‌شناسی استفاده کنیم و با کنکاشی دقیق‌تر به محتوای نظری این علم -لااقل نزد خودمان- غنا بخشیم.

امیدوارم ترجمه‌ی کتاب حاضر بتواند به‌عنوان نخستین گام برای شناخت مبادی فکری سوسورِ پرسش‌گر و پیچیده، کارگر افتد. یقیناً گام بعدی و اساسی در این راه، ترجمه‌ی خود دست‌نوشته‌های سوسور به زبان فارسی است.

محمد امین شاکری

شهریور 1393

فهرست

مقدمة مترجم

پیش‌گفتار

1. آخرین جلسات سوسور: آغازی بر زبان‌شناسی عمومی

2. نخستین سال‌های زندگی سوسور: دوره‌ی جوانی درخشان و پربار

3. سوسور در لایپزیگ، برلین و پاریس: پیش به‌سوی شهرت و بلوغ فکری

4. بازگشت به خانه: زبان‌شناس خودمختار شهر ژنو

5. زبان‌شناسی به‌مثابه‌ی یک علم: تمایزگذاری سوسور بین لانگ (زبان به‌مثابه‌ی یک نظام) و پارول (زبانی که به‌کار می‌رود)

6. نشانه، دلالت، نشانه‌شناسی

7. هم‌زمانی و درزمانی

8. دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی (1916): کتابی که پس از مرگ نویسنده تدوین شد

9. میراث دوگانه‌ی سوسور و پیامدهای آن

پیوست 1: فهرست نوشته‌های موجود از سوسور

پیوست 2: نقل‌قول‌هایی از سوسور

1. ترجمه‌ی صفوی، کورش؛ 1378؛ تهران: نشر هرمس. [↑](#footnote-ref-1)
2. ترجمه‌ی خلخالی، نازیلا؛ 1378؛ تهران: نشر و پژوهش فرزان روز. [↑](#footnote-ref-2)
3. کالر، جاناتان؛ 1379؛ ترجمه‌ی کورش صفوی؛ تهران: نشر هرمس. [↑](#footnote-ref-3)
4. هریس، روی؛ 1381؛ ترجمه‌ی اسماعیل فقیه؛ تهران: نشر مرکز. [↑](#footnote-ref-4)
5. هلدکرافت، دیوید؛ 1391؛ ترجمه‌ی سپیده عبدالکریمی؛ تهران: نشر علمی. [↑](#footnote-ref-5)